



در کارگاه «مشهد در تاریخ» مطرح شد:

وحدت اسلامی در شکل گیری حرم مطهر



رضا میرزاده

برنامه‌ای دیگر از مجموعه «کارگاه‌های رویداد مستند و خرده روایت» با عنوان «مشهد در تاریخ» در آرامگاه نادرشاه افشار برگزار شد. به گزارش شهرآرا، این کارگاه

در دومین روز برگزاری

«کارگاه‌های رویداد مستند و خرده روایت» به همت مؤسسه فرهنگی شهرآرا و با حضور جواد نوائیان رودسری، روزنامه‌نگار و پژوهشگر تاریخ، برپا شد. یکی از ویژگی‌های برنامه آموزشی یادشده، برگزاری آن در آرامگاه نادرشاه افشار واقع در چهارراه شهدا بود که مکانی با بنای منحصر به فرد و از جاذبه های گردشگری مشهد است.

در این کارگاه آموزشی، نوائیان رودسری با بیان اینکه «حرم مطهر رضوی، محور مشهد به شمار می‌آید، خاطرنشان کرد: این جمله به این معنی نیست که تاریخ مشهد در حرم مطهر رضوی خلاصه می‌شود، بلکه پس از شکل گیری این شهر در جوار حرم مطهر، تحولات گوناگونی در آن رخ داده و افراد زیادی در آن حضور پیدا کرده‌اند که در مجموع، یک تاریخ بیش از هزار و دویست ساله را شکل داده‌اند.

او درباره تاریخ شکل گیری مشهد گفت: پس از شهادت امام رضا^(ع) در کاخ حمیدبن قحطبله، پیکر ایشان در سرداب همین کاخ به خاک سپرده شد. پس از آن نیز کم‌کم فضای حرم مطهر رضوی شکل گرفت و این شهر پدید آمد.

این روزنامه‌نگار خاطرنشان کرد: نکته درخورتوجه این بود که در گام نخست، بنای حرم مطهر را بزرگانی ساختند که همگی از اهل سنت هستند و می‌توان گفت در شکل گیری حرم مطهر، نوعی وحدت اسلامی در اعتقاد به وجود اهل بیت^(ع) پدید آمد. او افزود: ادامه ساخت این بنا در دوران‌های مختلف تاریخی دستخوش تحولات فراوانی بود. نخستین چیزی که در جوار حرم مطهر شکل گرفت، نه خانه‌های مسکونی، بلکه بازار بوده و از همین‌رو می‌توان گفت بازار مشهد تاریخی قدیمی دارد. ضمن اینکه یکی از غذا‌های معروف مشهدی به نام «شله مشهدی» در همین سیر تاریخی وجود داشته و می‌توان گفت این غذای مشهدی نیز که مدل طبخ آن در طول سالیان متمادی تغییراتی داشته، پیشینه‌ای هزارساله دارد.
این پژوهشگر تاریخ در ادامه به ساخت نخستین کاروان‌سرای مشهد توسط خواجه نظام الملک اشاره کرد. می‌توان گفت این کاروان‌سرا به عنوان نخستین هتل و مهمان‌پذیر مشهد در این شهر ساخته شده است که البته در طول زمان تخریب شده و امروزه بخشی از مسجد گوهرشاد به حساب می‌آید. او همچنین تأکید کرد: تاریخ شکل‌گیری مشهد، منفعلانه و مبتنی بر یک مکان محدود نیست. این شهر، افراد و مکان‌های خاص دارد و افراد فراوانی در آن حضور یافته‌اند.
مدرس این کارگاه ضمن بیان برخی دیگر از نکات تاریخی درباره مشهد، پاسخگوی پرسش‌های مخاطبان نیز بود و در خلال این پرسش و پاسخ به مقوله‌هایی از جمله روند شکل‌گیری سیستم آب‌رسانی در مشهد و موقوفات مهم این شهر اشاره کرد.

کارگاه آموزشی «مشهد در تاریخ» با بازدید مخاطبان از آن آرامگاه و موزه نادری و توضیحات نوائیان رودسری درباره این بنای تاریخی به پایان رسید.



نکوداشت واصف باختری در دانشگاه فردوسی مشهد

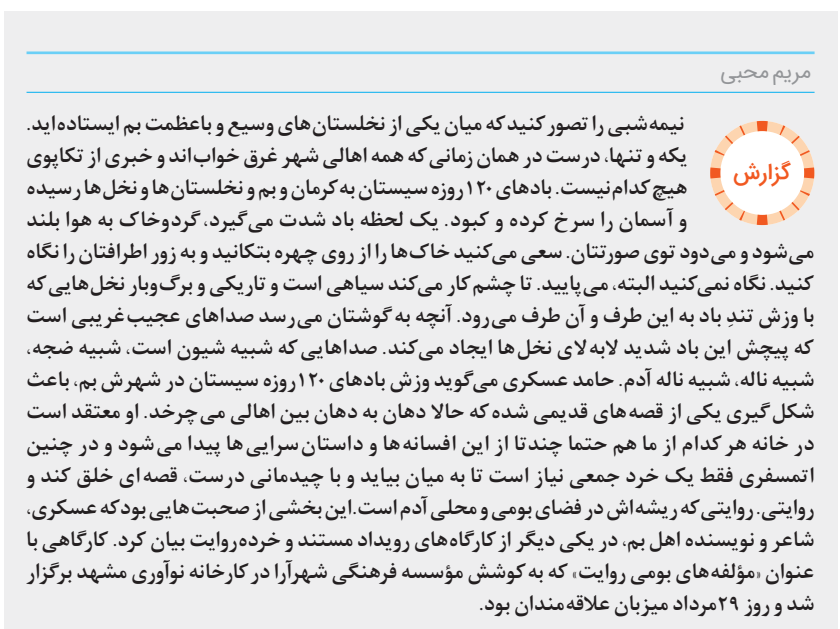


آیین نکوداشت واصف باختری با عنوان «ناگه غروب کدامین ستاره» برگزار می‌شود. به گزارش شهرآرا، در این آیین محمدجعفر یاحقی و محمدکاظم کاظمی و یامان حکمت سخنرانی خواهند کرد و همچنین پیام تصویری حضرت وهربز و افسر رهبین پخش خواهد شد.
شعرخوانی شاعران حاضر در برنامه، از دیگر بخش‌های این آیین نکوداشت است که ساعت ۱۰بامداد امروز سه‌شنبه ۳۱مرداد در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، تالار دکتر شریعتی، برگزار می‌شود.
واصف باختری (۱۳۲۱- ۱۴۰۲ خورشیدی) از شاعران منتشرکرد و از آن میان دفترهای شعر ی چون «آفتاب نمی‌میرد»، «از میعاد تا هرگز»، «از این آیینه بشکسته تاریخ» و پژوهش‌هایی مانند «گزارش عقل سرخ» و «بازگشت به الفبا» و جز این‌ها را می‌توان نام برد.



حامد عسکری در کارگاه «مؤلفه‌های بومی روایت»:

سرزمین بی‌قصه، سرزمین مرده است



● اگر می‌خواهید روایت بنویسید شاهنامه بخوانید اما آنچه درمجموع به چشم می‌آید و یک اثر را به دل می‌نشانَد و برعکس، لحن است. میحثی که عسکری برای توضیح آن به شاهنامه متوسل می‌شود: «به شاهنامه فردوسی نگاه کنید! فردوسی یک منظومه شاهکار خلق کرده و این منظومه هزار سال است که دارد نفس می‌کشد. خیلی حرف بزرگی است که یک متن هزار سال دوام بیاورد آن هم لابه‌لای کلی اتفاق

باشد، همین اتفاق در رشت می‌تواند سبب به هم خوردن آن شود. چون پای تکرار به میان می‌آید و کنش آدم‌ها در مقابل رفتار طبیعت متفاوت خواهد بود. برای نزدیک شدن به بوم باید از اجزا و جزئیات بسیاری چون جغرافیا و افسانه‌های محلی آن منطقه و تکیه‌کلام‌ها آگاه‌شد و همچون یک ارسکتر قهار آن‌ها را با ترکیبی دقیق کنار هم چید. سریال پایتخت را می‌توان نمونه موفق‌ی در این زمینه دانست.»

● وقتی در سیستان و بلوچستان باران عاشقانه می‌بارد باران سیستان و بلوچستان با باران رشت تفاوت دارد. در جنوب شرقی می‌تواند بهانه یک قرار عاشقانه باشد و در شمال کشور مسیب به هم خوردن آن چرا؟ چون پای تکرار به میان می‌آید. مدرس کارگاه به صورت جزئی‌تر منظورش را این‌گونه شرح می‌دهد:

«بومی‌گرایی در ساخت روایت و مستند لزوماً به معنای این نیست که به شخصیت‌های اثر لپچه بدهیم یا فقط از اصطلاحات محلی استفاده کنیم. اگر در سیستان و بلوچستان باران می‌تواند بهانه یک قرار عاشقانه باشد، همین اتفاق در رشت می‌تواند سبب به هم خوردن آن شود. چون پای تکرار به میان می‌آید و کنش آدم‌ها در مقابل رفتار طبیعت متفاوت خواهد بود. برای نزدیک شدن به بوم باید از اجزا و جزئیات بسیاری چون جغرافیا و افسانه‌های محلی آن منطقه و تکیه‌کلام‌ها آگاه‌شد و همچون یک ارسکتر قهار آن‌ها را با ترکیبی دقیق کنار هم چید. سریال پایتخت را می‌توان نمونه موفق‌ی در این زمینه دانست.»

● وقتی در سیستان و بلوچستان باران عاشقانه می‌بارد باران سیستان و بلوچستان با باران رشت تفاوت دارد. در جنوب شرقی می‌تواند بهانه یک قرار عاشقانه باشد و در شمال کشور مسیب به هم خوردن آن چرا؟ چون پای تکرار به میان می‌آید. مدرس کارگاه به صورت جزئی‌تر منظورش را این‌گونه شرح می‌دهد:

● وقتی در سیستان و بلوچستان باران عاشقانه می‌بارد باران سیستان و بلوچستان با باران رشت تفاوت دارد. در جنوب شرقی می‌تواند بهانه یک قرار عاشقانه باشد و در شمال کشور مسیب به هم خوردن آن چرا؟ چون پای تکرار به میان می‌آید. مدرس کارگاه به صورت جزئی‌تر منظورش را این‌گونه شرح می‌دهد:

مخرب چون قحطی و جنگ و زلزله و هزار بلای دیگر. منظومه‌ای که فقط در یک وزن نوشته شده، اما در عین حال با همین یک وزن می‌تواند از رزم و حماسه و عشق هم‌زمان سخن بگوید. به داستان رزم رستم و سهراب نگاه کنید. آنجا که رستم از سهراب می‌خواهد اگر نشانی از رستم دارد آشکار کند و سهراب می‌گوید: «کنون بند بگشای از جوشنم/ برهنه ببین این تن روشنم، لحن این بیت درد است و حق‌حق. واقعا نمی‌توان لحن دیگری به این ابیات داد. اگر اهل روایت و قصه هستید حتما شاهنامه را بخوانید، او از شخصیت شاخص دیگر این دیار نیز یاد می‌کند و می‌گوید: «شجریان در موسیقی متخصص درآوردن لحن است. وقتی بانی صداشعر زمستان است، اخوان را می‌خواند، آدم واقعا سرشد می‌شود!»

این نویسنده در کارگاه «مؤلفه‌های بومی روایت» از تاریخ بیهقی نیز به عنوان یک اثر جذاب در نثر یاد می‌کند، یک اثر خوب با یک موسیقی حیرت‌آور که به شکل جذابی ادبیات و تاریخ را به هم آمیخته است. ● آنی که باید!

این شاعر و ترانه‌سرا در ادامه صحبت‌هایش گریزی هم به محتوای شعر و ترانه‌های امروز می‌زند و می‌گوید: «شما به موسیقی‌ها و مداحی‌های امروز نگاه کنید. انگار همه را یک نفر نوشته است. صدا و کلمه تازه‌ای در نمونه‌های امروزی پیدانمی‌شود. اما در ترانه‌اوضاع کمی متفاوت است. ترانه‌سرا آمده و یک جهان دیگر را متصور شده. از تجربه‌هایش می‌گوید و چراغ‌قوه انداخته روی جزئیات زندگی‌اش که همین اهمیت دارد. دارم از «آن»ی حرف می‌زنم که نه من و نه کس دیگر نمی‌تواند به شما آموزش بدهد. شما باید با ممارست خودتان به آن لحن و امضادست پیدا کنید. اگر آنی نباشد یعنی اثر از فیلتر درونی نویسنده رد نشده. در صورتی که بسیار مهم است که شما با یک عینک شخصی به پیرامون نگاه کنید. من معتقدم به اندازه آدم‌های دوروبرمان قصه وجود دارد و سرزمین بی‌قصه یک سرزمین مرده است،»

● تاسرحدمرگ تلاش کنید بخشی از صحبت‌های حامد عسکری در قسمت دوم کارگاه به اثر بخشی چنین کارگاه‌هایی اختصاص پیدا می‌کند. او می‌گوید: «سرها ی ما پر از ایده و فکر است. لزوما بعد از اتمام این کارگاه نباید توقع داشت که چون بزرگان این عرصه ظاهر شد. آنچه مهم است و تعیین‌کننده، تلاشی است که صورت می‌گیرد. باید یادمان باشد جهان برای تنهایی‌ها و زخم‌ها و بردیختی‌ها تهرای خرد نمی‌کند و به توانستن‌و از عهده برآمدن است که ارج می‌دهد و اسکار و نوبل، عبور از رنج‌هاست که اهمیت دارد. هیچ چیز مفتی هم به آدم نمی‌دهد. باید در حد مرگ تلاش کرد و خسته‌شد. هنر و تجلی آن سخت است و سنگین. شاید از این جمع فیلم‌ساز و نویسنده‌ای در نیاید. ایرادی هم ندارد. شما می‌توانید یک همسر یا یک مادر موفق باشید. این نباید باعث سرخوردگی آدم شود. فراموش نکنید که به خودتان نگرش مثبت داشته باشید، در خودتان قابلیت رسیدن به هدف‌تان را ببینید. از تجربه کردن و جابه‌جا کردن خاک‌پری‌ها نترسید و دست تلاش کردن تا سر حد مرگ. یک چیزهایی است آدم نیست، اما باید تلاش کنیم تا آن چیزهایی که دست ماست، به بهترین شکل رقم بخورد.»

شاعر برگزیده دومین رویداد ملی «یارستان کودکستان» مطرح کرد: کتاب‌های کودکان فراوان اما بدون محتوا

است، یکی از خلأهایی که ما در جامعه‌مان به‌طور جدی با آن روبه‌رو هستیم، خلأ نقد و بررسی آثار است؛ اینکه آثاری که برای خردسالان، کودکان و نوجوانان نوشته می‌شوند، نقد شوند. این اتفاق بزرگی است که مجموعه‌ای با شصت داور کتاب‌ها را ببیند، بررسی کند و برای کتاب‌ها پرونده درست‌کند که دلایل راه‌پیدا کردن به این چرخه و برگزیده‌شدن آثار چیست و آن‌ها را به ناشر ارائه دهد. ناشر این‌طور برای چاپ محتوای خوب تشویق می‌شود. امروزه یکی از معضلات ادبیات کودک و نوجوان ما این است که با وفور کتاب‌هایی روبه‌رو هستیم که محتوا و خلاقیت ندارند و شاید ناشر فقط به بازار توجه کرده و آن را منتشر کرده است، اما جشنواره‌هایی مثل این جشنواره، واقعاً یک اتفاق خوب را در جامعه‌ما رقم می‌زند. دست‌اندرکاران این جشنواره ارزش‌گذاری می‌کنند و ناشری را که محتوای خوب منتشر کرده است، تشویق می‌کنند. به نظر در بُعد فیزیکی هم باید جایزه‌ای داشته باشیم، این‌طور که اگر ناشری به کتاب‌سازی اهمیت داده است، جدای از محتوای آثار، به جلد کتاب، به کاغذ کتاب که از چه جنسی باشد، تصویری کتاب را چه کسی و به چه شکل انجام دهد و کیفیت چاپ و رنگ چگونه باشد و همه این‌ها را در نظر گرفته است، پاداشی داده شود. ناشر باید نتیجه این کار را ببیند که اگر هر اثری را چاپ نکرده و کار مناسب را با محتوا و کتاب‌سازی خوب منتشر کرده و به دست مخاطب رسانده است، ارزشش با کار دیگران‌شان متفاوت است. یعنی ناشر باید به میزانی که برای مخاطبش ارزش‌گذاری کرده است، حمایت شود.

